



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



كانال ايتا

https://eitaa.com/hadith_onlinehawzah



کِتَابُ الْعَقْلِ وَ الْجَهْلِ

1. روایت اول: **عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ**
ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ
أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيْمَنْ أَحَبُّ أَمَا إِنِّي إِيَّاكَ أَمُرُ وَ إِيَّاكَ أَنْهَى وَ إِيَّاكَ
أُعَاقِبُ وَ إِيَّاكَ أُثِيبُ.

امام باقر علیه السلام فرماید: چون خدا عقل را آفرید از او بازپرسی کرده به او گفت رو کن، رو کرد، گفت پشت کن، پشت کرد، فرمود به عزت و جلالم سوگند مخلوقی که از تو بیشم محبوبتر باشد نیافریدم و تو را تنها در کسانی که دوستشان دارم، کامل میکنم. همانا امر و نهی کیفر و پاداشم متوجه تو است.



نکات روایت:

1- جهل مقابل عقل است نه مقابل علم

معنای دقیق عقل و جهل

عقل: بند و بازداری است. عقل لسانه: جلو زبانش را گرفت. معقل: دژ و بارو
جهل ضد عقل: عمل بدون تامل و عمل ناسنجیده. جهل به معنای بی گذار به آب زدن و
بدون کنترل است

تقابل علم و جهل ناشی از تطورات مفهومی است که جهل از عمل بدون تامل به
ندانستن و نادانی در مقابل علم بسط یافته است.

خداوند میفرماید: انه من عمل منکم سوء بجهاله ثم تاب من بعده و اصلح فانه غفور
رحیم(انعام ۵۴) عمل از روی نادانی خطا یا گناه نیست که توبه کند ولی عمل نسنجیده که
از روی شهوت یا خشم یا شتابگری بوده، توبه و اصلاح در موردش معنادار است.

در روایات داریم: رب عالم قد قتلہ جهله و علم معه لاینفعه مثال دیگری است که تقابل
عقل و جهل را نشان میدهد و معنای صحیح جهل را.

عقل: بازداری لازم برای تامین سنجیدگی و پختگی است.

نکات روایت:

1- عقل غیر از ذهن است.

➤ عقل موجودی است که با اختیار امر و نهی گرفته

➤ ارادی اطاعت کرده

➤ این اطاعت او ارزشمند است

انسان میتواند سرزمین وجود خود را در اختیار عقل یا جهل قرار بدهد

نکات روایت:

- 1- محبوبترین مخلوق عقل است.
- 2- عقل را خدا در مخلوقاتی که محبوبش هستند، کامل می‌شود
- 3- عقل است که مورد امر و نهی است.
- 4- عقل است که ثواب و عقاب از اوست.

روایت مشابه، روایت 14: مشهور به جنود عقل و جهل

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ وَهُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ
الرُّوحَانِيِّينَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ فَقَالَ لَهُ أُدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ
فَأَقْبَلَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقْتُكَ خَلْقًا عَظِيمًا وَكَرَّمْتُكَ عَلَى جَمِيعِ
خَلْقِي قَالَ ثُمَّ خَلَقَ الْجَهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأَجَاكِ ظُلْمَانِيًّا فَقَالَ لَهُ أُدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ
قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَلَمْ يُقْبَلْ فَقَالَ لَهُ اسْتَكْبَرْتَ فَلَعَنَهُ

نکات روایت:

رو کردن عقل و پشت کردن جهل به چه معناست؟

➤ جهل به خدا پشت کرد و به خدا رو نکرد؟
- در اینصورت باید بگوییم که عقل به خدا پشت کرد ولی رو هم کرد که هم تناص دارد و هم غلط است.

➤ عقل به خدا رو کرد و پشت به دنیا کرد؟
- در اینصورت باید بگوییم که جهل به خدا رو نکرد و پشت به دنیا کرد که باز هم غلط است و تناقض دارد.

نکات روایت:

رو کردن عقل و پشت کردن جهل به چه معناست؟

➤ معنای اول: اقبال و ادبار، نه به معنای رو کردن یا پشت کردن

➤ معنای دوم: اقبال و ادبار به معنای توجه و التفات یا رویگردانی و توجه نکردن

پس مسئله رو کردن یا پشت کردن به چیزی نیست، مسئله توجه کردن به دو نشئه توسط عقل و توجه نکردن به نشئه غیب و ماوراء ماده توسط جهل است.



نکات روایت:

مثال از تحلیل عالمانه و جاهلانه:

من بیمار شده ام، چرا بیمار شده ام؟

علتش ویروس است، چون آزمایش و قواعد عالم ماده نشان میدهد که ویروس بیمار کننده است.

سوال: پس نقش خدا در این میان چیست؟

خدا خالق ویروس است و اگر بخواهد ویروس را نابود میکند ولی ویروس تا وقتی هست و ویروس است، بیمار کننده است، چه خدا بخواهد و چه نخواهد!



نکات روایت:

مثال از تحلیل عالمانه و جاهلانه:

تحلیلی که بیان شد، هیچ شأنی برای عالم ماوراء ماده، خدا و ولی خدا در بیمار شدن من قائل نیست!!! یعنی ماوراء ماده در تحلیل نقشی ندارد. این دقیقا همان رویگردانی جهل است از عالم غیب.

ولی تحلیل عاقلانه این است که هر چند ویروس بیمار کننده است ولی ویروس خود مختار نیست، ویروس موجودی زنده است که از ولی و سرپرست خود امر میگیرد و بدون امر عمل نمیکند!

نکات روایت:

مثال از تحلیل عالمانه و جاهلانه:

آیا امر سرپرست ویروس (خدا یا ولی خدا) قاعده و حساب و کتابی هم دارد؟
بله دارد.

پس قواعدی دیگر هم در کار است. که ماوراء ماده است.

مثلا اگر من گناهی کرده باشم و خدا به سبب ایمانم بخواهد کفاره عملم را در دنیا به من بدهد تا در آخرت عقاب نشوم، به ویروس امر میکند که وارد بدن من شده و مرا بیمار کند.

پس ویروس علت بیماری نیست. علت بیماری، قاعده جبران معصیت برای مومن در

دنیاست و ویروس فقط ابزار و عامل بیماری است.

نکات روایت:

ویژگی دستگاه جهل، همین است که به عالم ماوراء ماده توجه ندارد. شاهدش تمدنی است که جبهه جهل در عالم بنا کرده، از کجا میفهمیم جهل است، چون دقیقاً جاهلانه عمل میکند. عمل و گرایش تابع علم نیست، هر چه میخواهی انجام بده و هر چه را میخواهی دوست بدار. این دقیقاً به معنای لغوی یعنی جاهلانه خواستن و جاهلانه عمل کردن. به همین سبب است که این تمدن خود را بی نیاز میبیند از علم انبیاء. محتاج علمی نیست که ماوراء ماده را به او نشان بدهد. این تمدن حتی معنای علم را مصادره کرده و فقط به کشف قواعد عالم ماده علم میگوید.

نکات روایت:

در مقابلش تمدنی است که به عالم ماوراء و ماده توجه دارد.

خود را محتاج علم فرستادگان خدا میبیند تا قواعد عالم ماوراء ماده را برای او بازگو کنند.

و شعارش این است که بر اساس علمت عمل کن و حق نداری هر کاری دوست داری انجام بدهی و هر چه را میخواهی دوست بداری.

خودت را کنترل کن. تقوا داشته باش. حق را بپذیر و بر اساس حق عمل کن.

مودب به آداب باش. مقید به حق باش.

تو محور عالم نیستی. تو باید بر اساس حق عمل کنی.

این تمدن دقیقا به معنای واقعی کلمه شعارش تبعیت از عقل است.



www.onlinehawzah.com